



توقیف مطبوعات ایران در گذر زمان



○ مبین‌الدین محرابی

یکی از شناخته‌ترین کتابهایی که اخیراً درخصوص مطبوعات ایران به چاپ رسیده کتاب توقیف مطبوعات ایران در گذر زمان است. این کتاب ۱۲۰ صفحه‌ای که مطالب آن از صفحه ۷ شروع می‌شود و ۱۸ صفحه از حجم آن به تصاویر اختصاص داده شده است، در واقع ۹۶ صفحه مطالب نوشتاری دارد.

مترجمان این کتاب چنین است: مقدمه، توقیف مطبوعات ایران در گذر زمان از سال ۱۲۰۲ هجری شمسی تاکنون، سلسله پهلوی، نظام جمهوری اسلامی ایران، منابع.

پیش از آنکه بخواهیم به مواردی از اشتباهاتی این کتاب بپردازیم، لازم است از منابع اندک این کتاب که ۱۳ عنوان است و در صفحات ۱۱۹ و ۱۲۰ آمده و متأسفانه در متن کتاب هرگز به هیچ یک از این منابع استناد نشده است، یاد کنیم:

اسناد مطبوعات (ج ۱-۲) / به کوشش: کاوه بیات، مسعود کوهستانی نژاد؛ اسناد مطبوعات ایران (ج ۱-۴) / به کوشش: محسن روستایی، غلامرضا سلامی؛ راهنمای مطبوعات ایران / فرید قاسمی؛ تاریخ سانسور در مطبوعات ایران / گوئل کهن؛ فصلنامه رسانه / از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹؛ شناسنامه مطبوعات ایران / مسعود برزین؛ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت / انوار براون؛ روزنامه اطلاعات / از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷؛ روزنامه ایران / از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹؛ واحد رایانه معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد؛ تاریخ مشروطه ایران / احمد کسروی؛ پهلوی‌ها (ج ۱-۲) / فرهاد رستمی؛ کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ / ترجمه سرهنگ غلامرضا نجابی.

اشتباهها و اغلاط این کتاب متعدد است و از عنوان روی جلد آغاز می‌شود: «توقیف مطبوعات ایران در گذر زمان (از ۱۲۰۲ ه. ش تاکنون)» و اشتباه بر سر سال ۱۲۰۲ ه. ش. است. برای توضیح بیشتر باید ابتدا یادآوری کنیم مؤلف این کتاب

مقدمه، توقیف مطبوعات ایران در گذر زمان (از سال ۱۲۰۲ ه. ش تاکنون)
 ○ بیژن خاکپور
 ○ تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی یاس مشکاة
 ○ چاپ اول، پاییز ۱۳۷۹

کوشیده است تا سالهای قمری را به سال شمسی بنویسد و حال آنکه سال شمسی از حدود سال ۱۲۹۷ به بعد مورد استفاده قرار می‌گیرد و سالهای قبل از آن را باید به سال قمری که رایج بود، نوشت و در صورت نیاز، معادل آن را به شمسی (به شرط قید قمری آن) ذکر کرد. از این نکته که بگذریم باید یادآور شد که اولین نشریه چاپ شده در ایران موسوم به **کاغذخوار** در سال ۱۲۵۲ قمری معادل سال ۱۲۱۵ شمسی منتشر گردیده و بنابراین، تاریخ مندرج بر روی جلد که در متن کتاب نیز تکرار شده و میدانه انتشار نشریه در ایران را سال ۱۲۰۲ هجری شمسی دانسته کاملاً اشتباه است.

در پشت جلد کتاب چنین آمده است: «کتاب توقیف مطبوعات ایران در گذر زمان، مروری است بر شرح احوال مطبوعات توقیف شده از زمان فتحعلی شاه قاجار تاکنون (۱۲۰۲ الی ۱۲۷۹). این کتاب با بازگویی خلاصه‌ای از وقایع دوران قاجار (وقایع مشروطه)، دوران پهلوی و نظام جمهوری اسلامی ایران، به بازبینی تنگناها و مشکلات مطبوعات می‌پردازد. یکی از ویژگی‌های کتاب توقیف مطبوعات، درج اسناد و نامه‌هایی است که در دوران قاجار و پهلوی راجع به مشروطه و مطبوعات نگاشته شده».

عبارت مندرج در پشت جلد کتاب، تأسیس نشریه در ایران را سال ۱۲۰۲ شمسی و در عهد فتحعلی شاه قاجار دانسته که اشتباه است؛ زیرا شکل‌گیری نشریه در ایران از عهد محمدشاه قاجار و از سال ۱۲۵۲ قمری برابر با ۱۲۱۵ شمسی بوده است. این گفته مؤلف نیز که داعیه بازنگری و تحلیل تنگناها و مشکلات مطبوعات را در عهد قاجار و پهلوی و جمهوری اسلامی دارد، ادعایی بیش نیست؛ چرا که در کتابی کوچک با حجم یک جزوه نمی‌توان به چنین خواسته‌ای جامه عمل پوشانید.

همچنین بانوجه به آنچه که در پشت جلد کتاب آمده است و از درج برخی اسناد و نامه‌ها یاد کرده و آن را از ویژگی‌های کتاب برشمرده است، باید اذعان کرد که چند نامه و سند آن هم بدون ذکر مآخذ در لابه لای سطور کتاب قرار گرفته که از ارزش سندی برخوردار نیست. اولاً، مآخذ این اسناد ذکر نگردیده و ثانیاً، تصوری از اصل اسناد ارائه نشده است. از طرفی وجود اشتباههای فراوان این کتاب، استفاده از این اسناد را ناممکن می‌سازد.

ایرادهایی که بر این کتاب وارد است به شرح ذیل است:

الف. اشتباههای محارایی

۱. «در زمان فتحعلی شاه قاجار روزنامه‌ای با نام **مرآت‌الآخبار** به مدیریت راجه موهن روی ابتدا به زبان انگلیسی و سپس فارسی منتشر گردید. این نشریه مسائل سیاسی ایران را با درج مقالات و اخبار، مورد پی‌گیری قرار می‌دهد. اداره معارف و علوم مستظفره، این نشریه را در ۱۲۰۲ ه. ش. به توقیف رساند.»

مطلبی که نقل شد جمل و تحریفی بیش نیست که به دلیل مستند نبودن کتاب، نمی‌توان به درستی جاعل آن را معلوم کرد. ولی آنچه لازم است دربارهٔ مرآت‌الآخبار گفته شود به اختصار این است: مرآت‌الآخبار، دومین روزنامهٔ سراسر فارسی هند به شمار می‌آید که از بیستم آوریل ۱۸۳۲ تا اوت ۱۸۳۲ (۱۲۳۷-۱۲۳۸ قمری، برابر با ۱۲۰۱-۱۲۰۲ شمسی) به طور بیوسته روزهای جمعه در کلکته منتشر شده است. ناشر، مدیر و نویسندهٔ مرآت‌الآخبار یکی از اندیشه‌ورزان هندی موسوم به «رام موهن رای» بوده که در اعتراض به قانون سختگیرانهٔ حکومت انگلیسی هند که آزادی مطبوعات را سلب کرده بود، از طبع و نشر مرآت‌الآخبار خودداری کرده است.

۲. «ملکم خان روزنامه‌ای را در فرانسه به زبان فارسی به چاپ رسانیده و توزیع می‌نمود.» خطای مطلب فوق در بیان محل انتشار نشریه است. میرزا ملکم خان روزنامه **قانون** را در لندن منتشر می‌کرد نه در فرانسه.

۳. «روزنامهٔ **لایپتزی** به مدیریت بارون نورمن که به زبان فرانسه در تهران منتشر می‌گردید با مقالات سیاسی و انتقاد از دولت موجب خشم ناصرالدین شاه گردید و دستور توقیف آن در ۱۲۵۲ ه. ش. توسط شخص پادشاه صادر و ادارهٔ تنظیمه آن را به اجرا گذاشت.»

در مطلب بالا، دو اشتباه وجود دارد، اول آن که روزنامهٔ لایپتزی به زبان فرانسه نبوده، بلکه به زبان فارسی و فرانسه بوده و دیگر آنکه از این نشریه که انتشار آن با موافقت ناصرالدین شاه صورت گرفته، بیش از یک شماره منتشر نشده و تاریخ انتشار آن نیز ۹ محرم ۱۲۹۳ قمری (۵ فوریه ۱۸۷۶ / بهمن ۱۲۵۴ شمسی) بوده است. بنابراین، روزنامه‌ای که در سال ۱۲۵۴ ش. انتشار یافته، نمی‌تواند در سال ۱۲۵۲ ش. توقیف شده باشد.

۴. «[روزنامه] **حلاج** با مدیریت میرزا حسین حلاج» در سال ۱۲۷۱ تعطیل گردید.

نام مدیر این روزنامه، میرزا حسن حلاج بوده و تاریخ انتشار آن نیز سال ۱۲۳۸ قمری برابر با ۱۲۹۸

شمسی بوده است.

۵. «روزنامهٔ **تیراعظم** با مدیریت شیخ علی یزدی در سال ۱۲۸۴ ه. ش. تعطیل گردید.»

یادآور می‌شود اجازهٔ انتشار روزنامه تیراعظم با مدیریت شیخ علی یزدی در بهمن سال ۱۲۰۲ شمسی به تصویب معارف اصفهان رسید و معلوم نیست به مرحلهٔ انتشار رسید یا خیر. ولی اگر منظور روزنامه‌ای باشد که عبدالوهاب مهدوی معروف به معین‌العلمای اصفهانی باعنوان تیراعظم منتشر می‌کرد، باید گفت که تاریخ تأسیس این نشریه سال ۱۲۳۵ قمری برابر با ۱۲۸۶ شمسی بوده و در همان سال نیز توقیف گردیده است.

۶. «نشریهٔ **القری** با مدیریت آغامحمد حلائی به اهتمام همسویی با مطبوعات طرفدار مشروطه… در ۱۲۷۸ ه. ش. با دستور محمدعلی شاه توسط تنظیمه توقیف شده.»

در عبارت کوتاه فوق، چندین اشتباه وجود دارد. اولاً، نام نشریه **القری** بوده و «القری» غلط است، ثانیاً، از این نشریه بیش از دو شماره انتشار نیافته که اولی در تاریخ ذی‌حجه ۱۳۲۷ (برابر با دی ۱۲۸۸ ش.) و دومی در تاریخ صفر ۱۳۲۸ (برابر با اسفند ۱۲۸۸ ش) بوده است. بنابراین، نشریه‌ای که آغاز انتشار و تعطیلی آن در سال ۱۲۸۸ شمسی بوده است، نمی‌تواند در سال ۱۲۸۷ ش. توقیف شده باشد و دیگر آن که این نشریه چاپ نجف بوده و توقیف آن نیز توسط حکومت عثمانی صورت گرفته است.

۷. «حکومت قاجار بلافاصله نشریات طرفدار مشروطه را توقیف می‌نمود. نشریاتی چون **جهان زنان**،… ایران آزاد،… سیاست،… **شغق** [سرخ] با مدیریت علی دشتی،… **بهار**،… **بیکار**،… علت توقیف نشریات فوق، درج مقالات و مطالب منفی مشی حکومت، طرفداری از مشروطه و انعکاس اخبار وقایع مجلس و تبریز بوده است.»

نشریات یادشده در فاصلهٔ سالهای ۱۲۹۹-۱۳۰۱ شمسی تأسیس شده‌اند؛ یعنی در زمانی که کودتای رضاشاه صورت گرفته است. بنابراین، زمان انتشار این نشریات پس از جریانات مشروطه و وقایع تبریز بوده است و هیچ ارتباطی با دورهٔ قاجار ندارد؛ چرا که با کودتای رضا شاه که در سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی صورت گرفت، دورهٔ قاجار نیز به پایان رسید.

۸. «توسننده ضمن برشمردن نشریات توقیف شده از نشریه‌ای باعنوان «**نوبهار**، با مدیریت المعجل التجفی الشیخانی در تهران» خبر می‌دهد. چنانکه می‌دانیم نشریهٔ نوبهار با مدیریت

ملک‌الشعراى بهار از سال ۱۳۳۳ قمرى شروع به انتشار کرد. ولى عدم اشراف و بی‌اطلاعى نویسنده کتاب، موجب می‌گردد که مجله نوبهار صاحب‌مدیرى با عنوان «المجلی التحقی الجیلانی» شود و قسه از این قرار است که شکایت‌نامه‌ای که شخصی به نام «اسمعیل التحقی الجیلانی» بر ضد مجله نوبهار نوشته، در کتاب اسناد مطبوعات^{۱۰} به چاپ رسیده است. فقط به این دلیل که کتاب «اسناد مطبوعات» عنوان «نوبهار» را در بالای شکایت‌نامه آورده و امضای شاکى نیز با عنوان «لاخضر اسمعیل التحقی الجیلانی» در پایین شکایت‌نامه آمده، به همین سادگى فرد یاد شده مدیر نشریه نوبهار معرفی می‌گردد، با این تفاوت که نام وی نیز دچار تصحیف شده و «المجلی التحقی الجیلانی» معرفی می‌گردد.

۹. نویسنده ضمن برشمردن نشریاتی که در فاصله سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴ تعطیل شده‌اند، از نشریه‌ای به نام فرنگستان یاد می‌کند و می‌نویسد: «فرنگستان یا مدیریت جوانان ایرانی مقیم المان در تهران»^{۱۱}.

در صورتی که نام دقیق آن «نامه فرنگستان» بوده و توسط جوانان ایرانی مقیم المان در شهر برلین منتشر می‌شده است. این مطلب که نویسنده کتاب گفته در تهران منتشر می‌شده است، خطایی بیش نیست.^{۱۲}

ب. اشتباه‌های چاپی

توضیح: در ارائه نمونه‌ای از خطاهای چاپی، ابتدا کلمه صحیح و سپس کلمه خطا آمده است.

(جانسونز-جانسون، ص ۱۰، ۲) / (قلع و قمع، قلع و قمع، ص ۱۱، ۱۳) / (لذت: لذت، ص ۱۲، ۶) / (انگلیسی: انگلیس، ص ۱۵، ۹) / (حسن سلاج: حسن خلاج، ص ۱۷، ۷) / (طیب‌زاده: طیب‌زاده، ص ۱۷، ۹) / (توقی: تشرقی، ص ۲۱، ۱) / (بیک: اینکه، ص ۲۳، ۴) / (نشریه‌الترقی: نشریه‌القری، ص ۲۹، ۴) / (تنگستانی: تنگستانی، ص ۲۳، ۴) / (خامی: حامی، ص ۲۴، ۲۰) / (مؤید الشریعه: مؤید‌الشریقه، ص ۲۶، ۱۲) / (رکن الاسلام: رکن‌الاسلام، ص ۲۶، ۱۹) / (فداه: غده، ص ۴۱، ۲۰) / (اسمعیل التحقی الجیلانی: المحلی التحقی الجیلانی، ص ۴۳، ۱۷) / (مجال‌زاده: کمال‌زاده، ص ۵۱، ۱۹) / (مقام منبع: مقام منبع، ص ۶۰، ۳) / (احمد لنگرانی: احمد لنگرانی، ص ۷۴، ۱۴) /

کلاسنوست: کلاسنوست، ص ۱۱۴، ۱۸).

ج. گویا نبودن برخی عبارات

۱. (ص ۲۹، ۱۱۰-۱۱۰) بی‌هیچ دلیلی به ناگهان با این عبارت مواجه می‌شویم: «در روزهای یکشنبه سی و یکم خرداد و دوشنبه یکم تیر به علت عدم چاپ روزنامه‌ها، اخبار چندانی در دست نیست». اصلاً معلوم نیست چه ارتباطی بین این عبارت و جملات پس و پیش آن وجود دارد.

۲. (ص ۲۵، ۱) بدون آن که معلوم باشد صحبت از چه موضوعی است این عبارت آمده: «این زمان هر دو سو آماده ایستاده ولی جنگی رخ نمی‌داده».

۳. (ص ۲۱، ۳) نویسنده باید در پایان تلگراف جمعه‌ای شاه و پس از ذکر نام محمدعلی شاه علامت نقطه گذاشته و پاراگراف جدیدی را آغاز می‌کرد. ولی بی‌توجهی به این مسئله، موجب نگارش این جمله بی‌ربط شده است: «محمدعلی شاه قاجار در تبریز محله امیرخیز طرفدار مشروطه بود».

بی‌نوشت‌ها:

۱. بیژن خاکپور، توقیف مطبوعات، ص ۱۵.

۲. درباره مرآت الاخبار رک: ناصردین بروین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان (ج ۱)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، صص ۶۲-۶۴ / ناصردین بروین، «گاهی به منابع تاریخ روزنامه‌نگاری ایران و فارسی، ایران‌نامه (امریکا-مربلند)، سال ۶۱، ش ۳-۲، بهار-تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۹۱ / شاهپور تریبمانی‌زاده «تاریخ انتشار جرید فارسی در هند»، هجرت، سال ۲۲، ش ۱۲، ۱۳۵۰، ص ۳۶ / مهدی خواجی پیری، «اخیرنویسی فارسی در هند»، پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران، سال ۱، ش ۱، ۱۳۷۶، صص ۴۳۳-۴۳۴ / ام. اس. ناز، تاریخچه مطبوعات شبه‌قاره، ترجمه فرحت حسین مهدوی و انجم حمید، پاکستان - اسلام آباد، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۴، صص ۹۸-۱۰۱.

۳. بیژن خاکپور، ص ۱۵.

۴. درباره روزنامه قانون علاوه بر مقالات فراوانی که تاکنون نوشته شده است می‌توانید به دو تجدید چاپی که از این روزنامه ارائه شده مراجعه کنید: روزنامه قانون، به کوشش و با مقدمه هما ناطق، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵ / روزنامه قانون، تهران، انتشارات کویر،

۱۳۶۹.

۵. بیژن خاکپور، ص ۱۶.

۶. درباره نشریه لاپاری (La Patrie) رک: ناصردین بروین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان (ج ۱)، صص ۱۸۶ و ۱۹۶ / محمد محیط طباطبائی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۶۶، صص ۲۶-۳۸ / جعفر خمایی‌زاده، روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ق - ۱۳۲۹، ش، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۳۳، صص ۲۶۰-۲۶۳.

۷. بیژن خاکپور، ص ۱۷.

۸. درباره روزنامه حلاج رک: محمد صدرهاشمی، تاریخ جرید و مجلات ایران (ج ۲)، اصفهان، انتشارات کمال، ۱۳۶۴، صص ۲۳-۲۳۱ / مرتضی سلطانی، فهرست روزنامه‌های فارسی در مجموعه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، صص ۶۸-۶۹ / بیژن سرتیپ‌زاده، فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانه ملی ایران (ج ۱)، ۱۳۵۶، ص ۹۰.

۹. بیژن خاکپور، ص ۱۷.

۱۰. رک: محمد صدرهاشمی، همان (ج ۴)، ص ۳۷۷.

۱۱. رک: جعفر خمایی‌زاده، صص ۲۵۵-۲۵۶ /

فرید قاسمی، راهنمای مطبوعات ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۲، ص ۲۳۹ / کاوه بیات و مسعود کوهستانی‌نژاد، اسناد مطبوعات ایران (ج ۲)، صص ۲۸۴-۲۸۶.

۱۲. بیژن خاکپور، ص ۲۹.

۱۳. رک: معین‌الدین محرابی، «الترقی و دره‌التخف، نخستین نشریات فارسی چاپ نجف اشرف»، رسانه، سال ۱۱، ش ۱، بهار ۱۳۷۹، صص ۸۹-۸۲.

۱۴. بیژن خاکپور، ص ۴۳.

۱۵. همان، ص ۴۳.

۱۶. کاوه بیات و... اسناد مطبوعات (ج ۲)، صص ۲۶۷-۲۶۸.

۱۷. بیژن خاکپور، ص ۵۶.

۱۸. درباره نامه فرنگستان رک: محمدصدر هاشمی، تاریخ جرید و مجلات ایران (ج ۴)، صص ۶۶-۶۸ / نادر انتخالی، «نامه فرنگستان و مسئله تجدیدآمرانه در ایران»، نگاه نو، تهران، ش ۲۱، مرداد- شهریور ۱۳۷۳، صص ۲۸۰-۹۰.